[259] (3) خطبه آن حضرت برای مردمی که حق شوهرش را غصب کردند روایت شده: بعد از رحلت پیامبر وغصب شدن ولایت وصی آن حضرت، عمر شمشیر به کمر بسته ودور شهر مدینه می چرخید ومی گفت: با ابو بکر بیعت شده است، بشتابید به بیعت کردن با أو، مردم از هر طرف برای بیعت می آمدند، چند روز که گذشت همراه با گروه کثیری به در خانه حضرت علی (علیه السلام) آمده وخواستار خروج ایشان از منزل شد، ایشان امتناع کرد، عمر خواستار هیزم وآتش گردید وگفت: سوگند به کسی که جان عمر در اختیار اوست یا خارج می شود یا أو را با تمامی اهل خانه آتش می زنم - تا آنجا که گوید: - وحضرت فاطمه (علیها السلام) بسوی ایشان آمده وکنار درب خانه ایستاد وفرمود: ملتی را همانند شما نمی شناسم که اینگونه عهدشکن وبد برخورد باشند، جنازه رسول خدا را در دست ما رها کردید وعهد وپیمانهای میان خود را بریده وفراموش نمودید، وما را به فرمانروائی نرسانده وحقی را برای ما قائل نیستید، گویا از حادثه روز غدیر خم آگاهی ندارید. سوگند بخدا که پیامبر در آن روز ولایت حضرت علی (علیه السلام) را مطرح کرد واز مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت طلبان را قطع نماید، ولی شما رشته هاي پیوند معنوی میان خود وپیامبر را پاره کردید، این را بدانید که خداوند در دنیا وآخرت بین ما وشما داوری خواهد کرد.

_____